جناب آقای مهدی بعیدی نژاد

دانشجو دکتری
رشته روابط بین الملل
دانشگاه اصفهان

نابرابری در دسترسی به فرهنگ و آموزش:

نقش یونسکو در جهان دیجیتالی شده

فرهنگ و آموزش همواره نقشی کلیدی در توسعه و پیشرفت جوامع ایفا می‌کنند و نهادهای داخلی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تلاش دارند تا همه افراد فارغ از تفاوت‌های نژادی، زبانی، جنسی و غیره به طور برابر به آموزش و فرهنگ دسترسی داشته باشند اما این مسئله همواره چالش‌برانگیز بوده و نمونه‌های موجود بخصوص در کشورهای درحال‌توسعه، نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت‌های زیاد جوامع در این حوزه و با وجود اینکه کشورهای توسعه‌یافته، آموزش را به سمت روش‌های دیجیتالی سوق داده‌اند، اما بخش قابل‌توجهی از افراد از همان سن کودکی از آموزش محروم می‌مانند و بدین ترتیب، روند توسعه پایدار در این کشورها نیز به تأخیر افتاده و توسعه‌یافتگی عملاً محقق نمی‌شود. دراین‌بین، نقض سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) بسیار حائز اهمیت به نظر می‌رسد اما این سازمان علی‌رغم تلاش‌های خود، نتوانسته در این امر به طور کامل موفق عمل کند و عملکردی انتقادبرانگیز داشته است؛ لذا سؤال اصلی این نوشتار آن است که نقش و عملکرد یونسکو در مقابل فراگیری فرهنگ و آموزش در جهان دیجیتالی شده، چگونه بوده است؟ استدلال اصلی آن است که تضمین دسترسی عادلانه به امتیازها، منفعت‌ها و فرصت‌های دیجیتالی‌شدن، برای صیانت از حقوق فرهنگی و حق آموزش برای همگان در قرن بیست‌ویکم، امری ضروری است و ابتکارات یونسکو باید به طور مستمر تقویت شود تا بتوانند پاسخگوی چالش‌های دیجیتال در جهان چندقطبی باشد.

کلیدواژه‌ها: یونسکو، آموزش، فرهنگ، دیجیتال، نابرابری.

مقدمه

انقلاب دیجیتال و دسترسی به بسترهای مبتنی بر وب و اینترنت، شیوه‌های دسترسی انسان‌ها به اطلاعات، فرهنگ و آموزش را در سراسر جهان دچار دگرگونی قابل توجهی کرده است. با این حال، این تحول به دلیل عوامل گوناگون، به‌صورت یکسان و عادلانه برای همه رخ نداده و به شکل‌گیری شکاف دیجیتال در مناطق مختلف جهان بخصوص در کشورهای درحال‌توسعه و جنوب جهانی انجامیده است؛ شکافی که بازتاب‌دهنده و در بسیاری موارد تشدیدکننده نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در جهان امروز است. در جوامع امروزی که مبتنی بر علم، دانش و فناوری‌های جدید هستند، عدم دسترسی به اینترنت و فضای وب یا فقدان مهارت‌های دیجیتالی می‌تواند فرصت‌های فرد برای یادگیری و مشارکت فرهنگی و آموزشی را به‌شدت محدود کرده و بدین ترتیب، تأثیر افراد در توسعه و پیشرفت جوامع خود را به‌شدت کاهش دهد. از منظر مبانی حقوق بشر، دسترسی به فناوری‌های دیجیتال به طور فزاینده‌ای به‌عنوان حقی بنیادین تلقی می‌شود که با آزادی بیان و حق آموزش پیوند خورده است.

دراین‌بین، یونسکو که به‌عنوان بازوی علمی، آموزشی و فرهنگی سازمان ملل شناخته می‌شود، با مأموریتی که در تقاطع آموزش، فرهنگ، اطلاعات و فناوری قرار دارد، از جایگاهی منحصربه‌فرد برای مواجهه با نابرابری دیجیتال برخوردار است. این یادداشت به‌صورت انتقادی بررسی می‌کند که دیجیتالی‌شدن، می‌تواند شکاف‌های دسترسی به فرهنگ و آموزش را کاهش یا تعمیق دهد و بدین‌طریق، حقوق بنیادین افراد را تهدید نماید و دراین‌بین، یونسکو به‌عنوان متولی این مسئله، چه مأموریت‌هایی داشته و چه فعالیت‌هایی را دراین‌رابطه دنبال نموده است.

شکاف دیجیتالی و عدم برخورداری از حوزه حقوق فرهنگی و آموزشی مناسب در جنوب جهانی

با وجود رشد سریع اتصال دیجیتال، جهان همچنان به طور آشکاری میان «دارندگان» و «فاقدان» دسترسی دیجیتال تقسیم شده است. تا سال ۲۰۲۳، حدود یک‌سوم جمعیت جهان معادل تقریبی ۲,۶ میلیارد نفر همچنان به اینترنت دسترسی ندارند. این بدان معناست که حدود ۳۲ تا ۳۳ درصد از جمعیت جهانی به‌صورت آفلاین زندگی می‌کنند؛ جمعیتی که بخش عمده‌ای از آن را ساکنان مناطق کمتر توسعه‌یافته و نواحی روستایی تشکیل می‌دهند (حدود ۱,۸ میلیارد نفر از جمعیت فاقد دسترسی به اینترنت در مناطق روستایی زندگی می‌کنند). این در حالی است که مناطقی مانند اروپا و آمریکای شمالی از نرخ استفاده اینترنتی بیش از ۸۰ درصد جمعیت برخوردارند. از آن طرف، در بسیاری از کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته و کم‌درآمد به‌ویژه در بسیاری از کشورهای آفریقایی و بخش‌هایی از جنوب آسیا کمتر از ۳۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند (ITU, 2023). نابرابری در اتصال به شبکه‌های جهانی، مستقیماً به نابرابری در فرصت‌ها منجر می‌شود. به این معنا که بدون دسترسی به اینترنت، جوامع از منابع آموزش دیجیتال، محتوای فرهنگی آنلاین، خدمات سلامت از راه دور، تجارت الکترونیک و بسترهای مشارکت مدنی محروم می‌مانند. آنچه مسلم است این می‌باشد که دسترسی به اینترنت و فناوری‌های دیجیتال، دیگر یک کالای تجملی محسوب نمی‌شود؛ بلکه به طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک حق اساسی و ضرورتی برای مشارکت کامل در زندگی مدرن شناخته می‌شود. یونسکو به‌صراحت دسترسی به اطلاعات را در عصر دیجیتال به‌عنوان یک حق بنیادین بشر چارچوب‌بندی کرده است. این دیدگاه با رویکرد گسترده‌تر حقوق بشری همسو است که حقوق «آنلاین» را امتداد حقوق «آفلاین» مانند آزادی بیان و حق آموزش

می‌داند. بدون دسترسی مقرون‌به‌صرفه و فراگیر به شبکه‌های دیجیتال، نابرابری‌های موجود در آموزش، درآمد، جنسیت و جغرافیا تشدید می‌شوند (Alliance for Affordable Internet, 2022).

در همین راستا، سازمان ملل متحد تأکید کرده است که اتصال دیجیتال برای تحقق حق آموزش در جامعه معاصر ضروری است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت حق آموزش در عمل شامل حق دسترسی به اینترنت نیز می‌شود. از منظر توسعه، پر کردن شکاف دیجیتال برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار (SDGs) حیاتی است؛ چنان‌که خود دبیرکل تصریح نموده، تحقق توسعه پایدار مستلزم «تحولی اساسی» از طریق bridging digital divides پر کردن شکاف‌های دیجیتال و سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش و سواد اطلاعاتی است. کشورهایی که در زمینه زیرساخت دیجیتال و سواد دیجیتال عقب مانده‌اند، در معرض عقب‌ماندگی بیشتر در توسعه اقتصادی و انسانی قرار می‌گیرند. در مقابل، سرمایه‌گذاری در اتصال همگانی و مهارت‌های دیجیتال می‌تواند نوآوری و خلاقیت را فعال کند، حکمرانی را بهبود بخشد و پیامدهای فرهنگی و آموزشی مثبتی به همراه آورد (United Nations, 2024).

گفتنی است فناوری‌های دیجیتال ظرفیت عظیمی برای گسترش دسترسی و ارتقای کیفیت آموزش دارند؛ ظرفیتی که در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ به‌روشنی نمایان شد، زمانی که آموزش از راه دور به تنها راه ادامه تحصیل برای میلیون‌ها دانش‌آموز تبدیل شد. با این حال همه‌گیری کرونا این شکاف کشورهای شمال و جنوب را بیش از گذشته تشدید کرد. دانش‌آموزانی که به اتصال یا ابزار دیجیتال دسترسی نداشتند، در دوره تعطیلی مدارس عملاً از آموزش بازماندند و این امر به تعمیق فاصله یادگیری میان فقیر و غنی و میان مناطق شهری و روستایی انجامید؛ بنابراین مسلم است که منافع آموزش دیجیتال در بسیاری از نقاط جهان به طور نابرابر توزیع شده‌اند. در سطح جهانی، ۶۰ درصد مدارس ابتدایی و حدود نیمی از مدارس متوسطه اول به اینترنت دسترسی ندارند. همچنین، دو سوم کودکان در سن مدرسه (حدود ۱,۳ میلیارد کودک) در خانه به اینترنت دسترسی ندارند (Marwala, 2025).

این آمارهای تکان‌دهنده نشان می‌دهد چگونه شکاف دیجیتال به بازتولید نابرابری آموزشی منجر می‌شود. برای مثال، دو سوم کودکان در سن مدرسه در جهان (حدود ۱,۳ میلیارد کودک ۳ تا ۱۷ سال) در خانه به اینترنت دسترسی ندارند. بنابراین در حالی که دانش‌آموزان برخوردار می‌توانند به انبوه دانش آنلاین دسترسی داشته باشند، میلیون‌ها نفر دیگر عملاً از این جهان محروم‌اند. گزارش مشترک یونیسف و اتحادیه بین‌المللی مخابرات هشدار می‌دهد که نبود اتصال، صرفاً یک «شکاف» دیجیتال نیست بلکه یک «دره» دیجیتال است که کودکان را از دنیای مدرن عقب نگه می‌دارد؛ به طوری که در دوران تعطیلی مدارس بر اثر کووید-۱۹، نداشتن اینترنت به معنای محرومیت از آموزش برای بسیاری از کودکان بود (UNICEF, 2020). از منظر توسعه‌ای، محرومیت دیجیتال در آموزش می‌تواند پیشرفت‌ها به سوی هدف چهارم توسعه پایدار (آموزش باکیفیت) را معکوس کند. این مسئله بعد جنسیتی نیز دارد؛ در بسیاری از کشورها دختران دسترسی کمتری به فناوری دارند و شکاف جنسیتی در دسترسی به اینترنت مشهود است (اکثریت ۲,۶ میلیارد نفر جمعیت آفلاین جهان را زنان و دختران تشکیل می‌دهند). همچنین زنان در کسب مهارت‌های پیشرفته دیجیتال و حضور در حوزه‌های STEM (اصطلاحی است که به چهار حوزه علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات اشاره دارد) به طور چشمگیری کمتر نمایندگی می‌شوند. به عنوان مثال، زنان تنها ۳۵ درصد فارغ‌التحصیلان رشته‌های STEM را تشکیل می‌دهند که این امر خود به تقویت نابرابری‌های جنسیتی در آموزش منجر می‌گردد (Swiss info, 2024).

یونسکو و حکمرانی دیجیتال آموزش: چارچوب‌ها و ابزارهای مداخله

در همین راستا نهاد یونسکو به آموزش دیجیتال از دریچه شمول و عدالت می‌نگرد و بر این باور است که یادگیری دیجیتال باید ابزاری برای کاهش شکاف‌ها باشد، نه گسترش آن‌ها. این رویکرد عدالت‌محورانه مستلزم اقدام هماهنگ در چند حوزه است:

- **اتصال و زیرساخت:** یونسکو از شرکای اصلی تلاش‌های جهانی برای اتصال همه مدارس به اینترنت است و تأکید دارد که بدون دسترسی پایه، آموزش دیجیتال فراگیر میسر نخواهد شد. در این چارچوب، ابتکار مشترک «گیگا» (با هدایت یونیسف و اتحادیه بین‌المللی مخابرات و با همکاری یونسکو) شکاف دیجیتال آموزشی را نه صرفاً یک مسئله فنی، بلکه به‌عنوان یک مسئله حکمرانی آموزشی، عدالت اجتماعی و تحقق حق آموزش صورت‌بندی می‌کند. هدف محوری این ابتکار، اتصال مدارس جهان به اینترنت پرسرعت و مقرون به‌صرفه تا سال ۲۰۳۰ است؛ هدفی که پیوند مستقیمی با تحقق حق آموزش، اصل برابری فرصت‌ها و هدف چهارم توسعه پایدار دارد. تمایز اصلی رویکرد گیگا با سیاست‌های پیشین در ماهیت داده‌محور و مرحله‌بندی‌شده آن است؛ این ابتکار با تمرکز بر «نقشه‌برداری اتصال مدارس» از طریق داده‌های مکانی و اطلاعات زیرساختی دولت‌ها، تصویری دقیق از نقاط محروم و گلوگاه‌های اتصال ارائه می‌دهد. این نقشه اتصال که تاکنون محل بیش از 2.1 میلیون مدرسه را شناسایی کرده است، امکان اولویت‌بندی منابع و تصمیم‌گیری

آگاهانه را برای دولت‌ها فراهم می‌کند و سپس مدل‌های تأمین مالی و مشارکت‌بخش خصوصی را برای اتصال مدارس به اجرا می‌گذارد (Swiss info, 2024). برای ملموس‌تر شدن این رویکرد، تجربه اجرای گیگا در روآندا نمونه‌ای قابل‌توجه است. در چارچوب این برنامه، دولت روآندا با همکاری یونیسف، یونسکو و اتحادیه بین‌المللی مخابرات، وضعیت اتصال بیش از ۶ هزار مدرسه دولتی را به‌صورت نظام‌مند نقشه‌برداری کرد. این داده‌ها به دولت امکان داد تا مناطق روستایی و کم‌برخوردار را به‌عنوان «نقاط اولویت‌دار» تعریف کند و از مسیر یک سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، زمینه جذب سرمایه‌گذاری بخش عمومی و خصوصی برای اتصال مدارس به اینترنت پرسرعت را فراهم سازد. بر اساس گزارش‌های یونیسف، چنین مداخله‌ای فقط به اتصال فیزیکی محدود نمی‌شود؛ بلکه با فراهم‌کردن امکان دسترسی به منابع دیجیتال آموزشی، تقویت آموزش معلمان و کاهش شکاف فرصت‌های یادگیری میان مناطق شهری و روستایی، می‌تواند به طور عملی به تحقق حق آموزش نزدیک شود. در این معنا، گیگا صرفاً یک پروژه اتصال فناورانه نیست، بلکه سازوکاری برای کاهش «عدم تقارن اطلاعاتی» در تصمیم‌گیری آموزشی و تبدیل اتصال به یک سیاست عدالت‌محور است؛ البته مشروط به آنکه با سیاست‌های ملی آموزش و سازوکارهای پایدار مالی و نهادی همراه شود (UNICEF, 2023).

- **منابع آموزشی باز (Open Educational Resource یا به‌اختصار OER):** یونسکو منابع آموزشی باز را به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای کاهش نابرابری آموزشی و دموکراتیزه‌کردن دسترسی به دانش دنبال می‌کند. OER به محتوای آموزشی گفته می‌شود که علاوه بر رایگان بودن، از منظر حقوق مالکیت فکری نیز بر پایه مجوزهای باز طراحی شده و امکان استفاده، اقتباس، بومی‌سازی، بازتولید و بازتوزیع را فراهم می‌آورد؛ ویژگی که آن را از «محتوای رایگان» صرف متمایز می‌کند و به ابزار سیاستی بالقوه‌ای برای عدالت آموزشی تبدیل می‌سازد. در سال ۲۰۱۹، کنفرانس عمومی یونسکو «توصیه‌نامه منابع آموزشی باز» را تصویب کرد که نخستین چارچوب هنجاری بین‌المللی در این حوزه محسوب می‌شود و دولت‌ها را به اتخاذ سیاست‌هایی در پنج محور تشویق می‌کند؛ تقویت ظرفیت تولید و استفاده از OER، توسعه سیاست‌های حمایتی، تضمین کیفیت و اعتباربخشی، ایجاد مدل‌های پایدار مالی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی (UNESCO, 2019).

با این حال، اجرای چنین ابتکاراتی در عمل صرفاً به ایجاد دسترسی ختم نمی‌شود، بلکه به زیرساخت و ظرفیت نهادی نیز وابسته است. بدون اینترنت پایدار، سواد دیجیتال، پشتیبانی نهادی از معلمان و سازوکارهای تضمین کیفیت، حتی سیاست‌هایی مانند ترویج «منابع آموزشی باز (OER)» نیز می‌تواند ناخواسته به نفع گروه‌های برخوردارتر عمل کند و شکاف‌های موجود را بازتولید نماید (UNESCO, 2022). از منظر انتقادی، یکی از چالش‌های مهم در جنوب جهانی آن است که بخش بزرگی از محتوای آزاد آموزشی عملاً بر بستر پلتفرم‌ها و زبان‌های مسلط جهانی تولید و توزیع می‌شود؛ بنابراین اگر تولید محتوای بومی، چندزبانه و معطوف به بافت‌های محلی تقویت نشود، این سیاست به‌جای توانمندسازی ممکن است الگوهای آموزشی و روایت‌های دانشی مسلط را بازتولید کند. از همین رو، یونسکو در اسناد اخیر خود بر ضرورت حمایت از تولید محتوای باز آموزشی محلی و ارتقای تنوع زبانی و فرهنگی در اکوسیستم دانش دیجیتال تأکید می‌کند. به‌عنوان نمونه، بیانیه دبی که در سومین کنگره جهانی OER یونسکو به تصویب رسید، با معرفی OER به‌عنوان «کالای عمومی دیجیتال»، بر بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور (از جمله هوش مصنوعی) برای دسترسی عادلانه به دانش تأکید کرده و ملاحظات اخلاقی و ضد تبعیض را نیز خاطرنشان ساخته است (OER World congress, 2024).

برای ملموس‌تر شدن ابعاد اجرایی، تجربه آفریقای جنوبی نمونه‌ای عملی از نهادینه‌سازی OER در سطح سیاست عمومی است. وزارت آموزش عالی این کشور با الهام از توصیه‌نامه ۲۰۱۹ یونسکو، استفاده از منابع آموزشی باز را در بخشی از دانشگاه‌های دولتی تقویت کرد و از آن به‌عنوان ابزاری برای کاهش هزینه‌های آموزشی و گسترش دسترسی دانشجویان کم‌درآمد بهره گرفت. این سیاست، علاوه بر کاهش فشار مالی بر دانشجویان، به تقویت تولید محتوای بومی (از جمله به زبان‌های محلی) و افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها برای مشارکت در اقتصاد دانش کمک کرده است. بااین‌وجود، همین تجربه نشان می‌دهد که موفقیت OER مستلزم سیاست‌های مکمل در حوزه زیرساخت دیجیتال، آموزش معلمان و اساتید و سازوکارهای تضمین کیفیت و اعتبار علمی محتواست؛ در غیر این صورت، «بازبودن» منابع الزاماً به معنای «برابری واقعی در بهره‌مندی» نخواهد بود (Hodgkinson-Williams., & Arinto, 2017).

در مجموع، هم گیگا و هم OER نشان می‌دهند که سیاست‌های دیجیتال آموزشی زمانی به کاهش نابرابری می‌انجامند که از سطح توصیه‌های هنجاری فراتر رفته و در قالب سازوکارهای اجرایی، داده‌محور و حساس به زمینه‌های محلی عملیاتی شوند؛ در غیر این صورت، خطر بازتولید شکاف‌ها در پوشش فناوری تقویت می‌شود. گزارش ابتکاری آینده‌های آموزش یونسکو (۲۰۲۱) چارچوبی آینده‌نگر برای بازاندیشی آموزش در جهانی در حال تغییر ارائه می‌دهد. این گزارش با عنوان «بازتصور آینده‌های مشترک ما: قرارداد اجتماعی نوین برای آموزش» هشدار می‌دهد که شکاف‌های دیجیتال عمیق همچنان پابرجا هستند و استفاده صرف از ابزارهای دیجیتال بدون توجه به

نابرابری‌ها می‌تواند بسیاری از یادگیرندگان را عقب بگذارد. از این رو، حق آموزش در قرن بیست‌ویکم مستلزم حق شمول دیجیتال است؛ اصلی که امروزه در بسیاری از برنامه‌های یونسکو بازتاب یافته است. به همین دلیل است که نوآوری‌هایی مانند دوره‌های آنلاین، پخش آموزشی، اپلیکیشن‌های یادگیری موبایلی و OER می‌توانند فرصت‌های یادگیری را به جوامع دورافتاده و محروم برسانند. همان‌گونه که مدیرکل پیشین یونسکو، اودری آزوله، اشاره کرده است، پیشرفت‌ها در برقراری اتصال، انتقال داده، دسترسی منابع گسترده و هوش مصنوعی در حال «ایجاد امکانات بیشتری برای دسترسی به یادگیرندگان به‌حاشیه‌رانده‌شده» هستند (UNESCO, 2025).

فرهنگ، میراث و تنوع زبانی در فضای دیجیتال: از دسترسی تا بازنمایی

دیجیتالی‌شدن، همان‌گونه که آموزش را متحول کرده، شیوه حفظ، دسترسی و تجربه فرهنگ را نیز دگرگون ساخته است. اینترنت فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای دسترسی به میراث‌فرهنگی و محتوای خلاق معاصر فراهم کرده است. با این حال همان‌طور که گفته شد در این حوزه نیز تناقضی جدی وجود دارد؛ درحالی‌که پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند دسترسی فرهنگی را دموکراتیزه کنند، در عمل اغلب نابرابری‌های جهانی و عدم توازن در بازنمایی فرهنگی را بازتولید می‌کنند.

یکی از مسائل بنیادین، حفاظت دیجیتال از میراث‌فرهنگی است. بدون تلاش‌های هدفمند، بخش بزرگی از میراث مستند بشری از کتاب‌ها و نسخه‌های خطی گرفته تا آرشیوهای صوتی-تصویری، ممکن است قابلیت دیجیتالی‌شدن آنها فراهم نشود و بنابراین از دسترس نسل‌های آینده خارج بمانند. برنامه حافظه جهانی یونسکو که در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد، نقشی کلیدی در پر کردن این خلأ ایفا می‌کند. این برنامه از دیجیتالی‌سازی میراث مستند در کشورهایی با منابع محدود حمایت می‌کند و آن‌ها را در دسترس جهانی قرار می‌دهد. در غیر این صورت، بخش‌های گسترده‌ای از دانش فرهنگی غیرغربی و بومی در حاشیه فضای دیجیتال باقی خواهند ماند.

زبان نیز بعد مهمی از دسترسی فرهنگی در عصر دیجیتال است. اینترنت امروزی تحت سلطه تعداد محدودی زبان قرار دارد و بسیاری از زبان‌های بومی حضور بسیار کم‌رنگی در فضای آنلاین دارند. گزارش‌ها نشان می‌دهد تنها ۱۴ زبان بیش از ۹۱ درصد محتوای وب را تشکیل می‌دهند و هزاران زبان دیگر عملاً به حاشیه رانده شده‌اند (UNESCO, 2005). یونسکو این عدم توازن زبانی را یک موضوع حقوق فرهنگی می‌داند و از طرح‌هایی حمایت می‌کند که به تقویت تنوع زبانی در فضای مجازی می‌پردازند. برای نمونه، یونسکو با همکاری سازمان حکمرانی فنی اینترنت، ابتکار «پذیرش همگانی» دامنه‌های وب را پیش می‌برد تا اطمینان یابد کاربران بتوانند به زبان و خط بومی خود در اینترنت حضور یابند؛ امری که خود یک ضرورت حقوق بشری برای حفظ تنوع زبانی و شمول فرهنگی تلقی می‌شود (UNESCO, 2025). شایان ذکر است تنوع فرهنگی در فضای دیجیتال از اصول محوری کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو درباره تنوع اشکال بیان فرهنگی است که بر حمایت از حضور گسترده فرهنگ‌ها و زبان‌ها در رسانه‌ها و پلتفرم‌های جهانی تأکید دارد. گزارش جهانی یونسکو در سال ۲۰۲۲ نیز هشدار می‌دهد که دیجیتالی‌شدن در کنار فرصت‌ها، می‌تواند نابرابری‌ها را تشدید کند؛ چرا که تمرکز پلتفرم‌ها در چند کشور محدود و مدل‌های تجاری مسلط، دیده‌شدن محتوای متنوع را محدود می‌کند (UNESCO, 2022). پاسخ یونسکو به این چالش‌ها چندلایه است؛ از سیاست‌گذاری برای اقتصاد خلاق دیجیتال و حمایت از هنرمندان محلی گرفته تا ابتکاراتی مانند موزه مجازی اشیای فرهنگی مسروقه که با استفاده از فناوری دیجیتال به آگاهی‌بخشی و بازپیوند نمادین آثار فرهنگی با جوامع مبدأ کمک می‌کند. تمامی این اقدامات بر یک اصل بنیادین استوارند؛ دسترسی به فرهنگ یک حق است و همه انسان‌ها باید بدون تبعیض، چه در فضای آفلاین و چه آنلاین، بتوانند در حیات فرهنگی مشارکت کنند.

فناوری‌های نوظهور و حقوق بشر: نویدها و مخاطرات در رویکرد یونسکو

فناوری‌های نوظهوری مانند هوش مصنوعی، یادگیری ماشین و واقعیت مجازی به‌سرعت با حوزه‌های آموزش و فرهنگ درهم‌تنیده می‌شوند. این فناوری‌ها می‌توانند یادگیری شخصی‌سازی‌شده، ترجمه محتوای آموزشی به زبان‌های محلی و حفاظت دیجیتال از آثار فرهنگی را تسهیل کنند. با این حال، اگر به‌درستی هدایت نشوند، خطر تعمیق نابرابری‌ها را نیز به همراه دارند. به همین دلیل، یونسکو در سال ۲۰۲۱ توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی را به تصویب رساند؛ سندی که بر حقوق بشر، عدالت، شمول و شفافیت تأکید دارد و هشدار می‌دهد که سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند سوگیری‌ها و تبعیض‌های موجود را بازتولید کنند (UNESCO, 2022).

پرسش مهم آن است که آیا یونسکو با ابزارهای نرم و بودجه محدود خود می‌تواند نابرابری‌های ساختاری عمیق جهان دیجیتال را اصلاح کند؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست. بسیاری از راه‌حل‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و اراده سیاسی دولت‌ها هستند. بااین‌وجود، نقش یونسکو به‌عنوان تریبونی برای کشورهای کم‌درآمد و گروه‌های به حاشیه رانده‌شده در حکمرانی جهانی دیجیتال، همچنان حیاتی است. در همین بین گفتنی است که با وجود نقش هنجارساز و پیشرو یونسکو در حوزه آموزش و فرهنگ دیجیتال، اجرای عملی ابتکارات

ابتکارات این سازمان با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و اجرایی مواجه است که می‌تواند دامنه اثرگذاری آن‌ها را محدود کند.
نخستین چالش، محدودیت‌های مالی و وابستگی به تأمین بودجه داوطلبانه دولت‌ها است. بسیاری از برنامه‌های یونسکو، از جمله در حوزه اتصال مدارس، OER و آموزش دیجیتال، فاقد منابع مالی پایدار هستند و اجرای آن‌ها به اولویت‌های متغیر سیاسی و اقتصادی دولت‌های عضو وابسته است؛ امری که موجب نابرابری در میزان بهره‌مندی کشورها از این ابتکارات می‌شود.
چالش دوم به شکاف میان تعهدات هنجاری و اجرای ملی بازمی‌گردد. اسنادی مانند توصیه‌نامه OER یا توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی، اگرچه چارچوب‌های پیشرفته‌ای ارائه می‌دهند، اما فاقد سازوکار الزام‌آور اجرایی هستند. در بسیاری از کشورهای کم‌درآمد، این اسناد به سیاست‌های ملی تبدیل نمی‌شوند یا در حد برنامه‌های آزمایشی باقی می‌مانند؛ مسئله‌ای که ریشه در ضعف ظرفیت نهادی، کمبود نیروی انسانی متخصص و نبود زیرساخت دیجیتال کافی دارد. در نتیجه، خطر آن وجود دارد که شکاف دیجیتال نه به دلیل فقدان اسناد، بلکه به دلیل ناتوانی در پیاده‌سازی تداوم یابد.
چالش سوم، عدم تقارن قدرت میان یونسکو و بازیگران مسلط فناوری جهانی است. پلتفرم‌های بزرگ دیجیتال، شرکت‌های فناوری و ارائه‌دهندگان زیرساخت، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به زیست‌بوم آموزشی و فرهنگی دیجیتال دارند؛ درحالی‌که یونسکو عمدتاً از ابزارهای نرم، توصیه‌نامه‌ای و اخلاق‌محور بهره می‌برد. این عدم توازن، توان یونسکو را در اثرگذاری مستقیم بر منطق‌های تجاری مسلط که اغلب به تمرکز محتوا، تضعیف تنوع فرهنگی و نابرابری دسترسی می‌انجامند، محدود می‌سازد.
چالش چهارم به ناهمگونی زمینه‌های ملی و محلی مربوط است. اجرای موفق ابتکاراتی مانند گیگا یا OER مستلزم هم‌راستایی با سیاست‌های آموزشی، زبانی و فرهنگی هر کشور است. در غیاب این تطبیق زمینه‌ای، خطر آن وجود دارد که برنامه‌ها به‌صورت نسخه‌های استاندارد جهانی اجرا شوند و نیازهای خاص جوامع محلی، به‌ویژه در جنوب جهانی، نادیده گرفته شود. این امر می‌تواند به بازتولید الگوهای دانشی مسلط و تضعیف تولید محتوای بومی بینجامد؛ نتیجه‌ای که با مأموریت عدالت‌محور یونسکو در تعارض است.
در مجموع، این چالش‌ها نشان می‌دهند که موفقیت یونسکو در کاهش نابرابری دیجیتال، صرفاً به تدوین چارچوب‌های هنجاری وابسته نیست، بلکه مستلزم تقویت پیوند میان سیاست‌گذاری جهانی و اجرا در سطح ملی، ایجاد سازوکارهای مالی پایدار و ارتقای ظرفیت نهادی دولت‌هاست. بدون توجه به این ملاحظات اجرایی، خطر آن وجود دارد که ابتکارات دیجیتال یونسکو، علی‌رغم نیت عدالت‌محور، نتوانند به تغییرات ساختاری در دسترسی برابر به آموزش و فرهنگ منجر شوند.

نتیجه‌گیری

در جهانی که به طور فزاینده‌ای دیجیتال می‌شود، شکاف در دسترسی به فناوری، اطلاعات، فرهنگ و آموزش، بازتاب‌دهنده و تشدیدکننده شکاف‌های اجتماعی موجود است. نابرابری دیجیتال پدیده‌ای منفک نیست، بلکه با نابرابری اقتصادی، جنسیتی و جغرافیایی درهم‌تنیده است. محرومیت میلیاردها انسان از دسترسی دیجیتال، آن‌ها را از منابع آموزشی، مشارکت فرهنگی و حیات مدنی محروم می‌سازد؛ امری که مستقیماً با کرامت انسانی و حقوق بنیادین بشر در تعارض است.
نقش یونسکو در این جهان دیجیتال چندپاره، هم تعیین‌کننده و هم دشوار است. این سازمان با تأکید بر رویکردی انسان‌محور و حقوق بنیاد، یادآور می‌شود که فناوری راه‌حل جادویی نیست؛ بدون سیاست‌های فراگیر، آموزش و احترام به تنوع فرهنگی، دیجیتالی‌شدن می‌تواند نابرابری‌ها را تعمیق کند. در مقابل، اگر به‌درستی هدایت شود، می‌تواند دسترسی به آموزش باکیفیت را گسترش دهد، فرهنگ‌ها را صیانت و به اشتراک بگذارد و گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده را توانمند سازد. رویکرد یونسکو رد فناوری نیست، بلکه هدایت آن در مسیری است که بیشترین منفعت و کمترین آسیب را به همراه داشته باشد. از این منظر، هوش مصنوعی و سایر نوآوری‌های دیجیتال باید به ابزارهایی برای توانمندسازی همگان نه تثبیت امتیازات اقلیتی خاص، تبدیل شوند. بدیهی است که مواجهه با چالش‌های پیچیده شکاف دیجیتال نیازمند کنش جمعی جهانی است و یونسکو به دلیل مأموریت میان‌رشته‌ای خود نقشی محوری در این زمینه دارد. این نقش را می‌توان در چهار بعد خلاصه کرد؛ استانداردگذاری، توانمندسازی، کنشگری حقوق‌محور و میانجی‌گری دانشی. از تدوین اسناد هنجاری مانند چارچوب ROAM-X برای جهان‌شمولی اینترنت گرفته تا اجرای پروژه‌های میدانی، حمایت از نوآوری و تولید گزارش‌های جهانی، یونسکو در پی ساخت «جوامع دانشی فراگیر» است.
در نهایت، پر کردن شکاف دیجیتال نیازمند عزم جمعی است و یونسکو یکی از بازیگران کلیدی این ائتلاف جهانی به شمار می‌رود. پیام محوری این سازمان آن است که شمول دیجیتال باید آگاهانه و هدفمند دنبال شود. آینده دیجیتال مشترک ما باید آینده‌ای باشد که تنوع انسانی و همبستگی جهانی را پاس بدارد، نه آنکه شکاف‌ها را عمیق‌تر کند؛ آینده‌ای که در آن توانمندسازی دیجیتال به واقعیتی برای همه انسان‌ها، در همه‌جا، تبدیل شود. به طور خلاصه، شمول دیجیتال هم یک الزام حقوق بشری و هم ضرورتی توسعه‌ای است؛ موضوعی که

توضیح می‌دهد چرا شکاف دیجیتال بین کشورهای شمال و جنوب تشدید شده است و چرا سازمانی مانند یونسکو باید آن را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهد.

منابع

- Alliance for Affordable Internet. (2022, May 17). Affordability Report 2021. A4AI. From: https://a4ai.org/research/affordability-report/affordability-report-2021/
- International Telecommunication Union. (2023). Measuring digital development: Facts and figures 2023. Geneva: ITU. From: https://www.itu.int/itu-d/reports/statistics/facts-figures-2023/
- Hodgkinson-Williams, C., & Arinto, P. (2017, December 15). Adoption and Impact of OER in the Global South. In Adoption and Impact of OER in the Global South. African Minds, International Development Research Centre & Research on Open Educational Resources for Development. From: https://doi.org/10.5281/zenodo.1005330
- Marwala, T. (2025, May 15). Exploring our futures together: Technology and the emerging social contract for education. Keynote speech at United Nations University, Tokyo, 15 May. Medium. From: https://medium.com/@tshilidzimarwala/exploring-our-futures-together-technology-and-the-emerging-social-contract-for-education-345026b6de33
- UNESCO. (2024). Dubai Declaration on Open Educational Resources (OER). OER Knowledge Cloud. From: https://www.oer-knowledgecloud.org/record2828
- SWI Swiss info. (2024, July 11). How the UN plans to connect every school to the internet by 2030. Interview with Giga co-lead. SWI. From: https://www.swissinfo.ch/eng/international-geneva/the-un-plans-to-connect-every-school-to-the-internet-by-2030/83325727
- UNESCO. (2005, October 20). Convention on the protection and promotion of the diversity of cultural expressions. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/legal-affairs/convention-protection-and-promotion-diversity-cultural-expressions
- UNESCO. (2019, November 25). Recommendation on Open Educational Resources (OER). 40th General Conference, Resolution 40 C/36. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/legal-affairs/recommendation-open-educational-resources-oer
- UNESCO. (2022). Recommendation on the ethics of artificial intelligence. 41st General Conference, Resolution 41 C/37. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/artificial-intelligence/ethics
- UNESCO. (2022, February 11). Fostering inclusive, accessible and multilingual open educational resources globally. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/articles/fostering-development-inclusive-accessible-and-multilingual-open-educational-resources-globally
- UNESCO. (2025, April 12). Universal access to information and digital inclusion. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/articles/universal-access-information-and-digital-inclusion
- UNESCO. (2025, March 31). UNESCO spotlights how digital learning can promote equity in low-resource contexts. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/articles/unesco-spotlights-how-digital-learning-can-promote-equity-low-resource-contexts
- UNESCO. (2025, June 20). UNESCO and ICANN reinforce commitment for a multilingual internet. UNESCO. From: https://www.unesco.org/en/articles/unesco-and-icann-reinforce-commitment-multilingual-internet
- UNICEF. (2020, December). How many children and youth have internet access at home. UNICEF. From: https://data.unicef.org/resources/children-and-young-people-internet-access-at-home-during-covid19/
- UNICEF. (2023). Giga: Connecting every school to the internet. UNICEF. From: https://www.unicef.org/innovation/giga
- United Nations. (2024, August 14). Youth digital engagement crucial for achieving the Sustainable Development Goals. UN News. From: https://news.un.org/en/story/2024/08/1153086